

زندگی،
آثار و افکار
حکیم
ایرانی

Avicenna

سعید نفیسی



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۹
فصل اول - احوال ابن سینا	۱۱
فصل دوم - مقام ابن سینا در جهان	۱۷
فصل سوم - مؤلفات ابن سینا	۲۱
فصل چهارم - آثار فارسی ابن سینا	۵۵
فصل پنجم - ترک بودن با ترک شدن ابن سینا	۸۱
فصل ششم - معالجات ابن سینا	۸۵
فصل هفتم - ترجمه حال ابن سینا چنان که خود نوشته است	۹۳
فصل هشتم - تکملة ابو عبید جوزجانی	۹۹
فصل نهم - مردان سیاسی که با ابن سینا مرتبط بوده‌اند	۱۰۷
(۱) نوح بن منصور	۱۰۷
(۲) علی بن مأمون	۱۱۱
(۳) قابوس بن وشمگیر	۱۱۳
(۴) سیده خاتون و مجدالدوله	۱۱۴
(۵) شمس الدوله	۱۱۷
(۶) بدر بن حسنویه و فرزندانش	۱۲۰
(۷) عناز	۱۲۶
(۸) علاءالدوله	۱۲۸

صفحه	عنوان
۱۴۰	۹) تاج الملک
۱۴۳	فصل دهم - اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمان ابن سینا
۱۸۳	فصل یازدهم - شاگردان ابن سینا و کسانی که با او رابطه علمی داشته‌اند
۱۸۸	ابوسعید ابوالخیر
۱۸۹	ابوریحان بیرونی
۱۹۰	ابوعلی مسکویه
۱۹۱	ابوالحسین سهلی
۱۹۳	ابوالفرج بن طیب
۱۹۴	ابوسهل مسیحی
۱۹۵	ابوالخیر خمار
۱۹۷	ابونصر عراق
۱۹۸	ابوالقاسم کرمانی
۱۹۸	ابو عبدالله ناتلی
۱۹۹	ابوبکر برقی
۱۹۹	ابومنصور قمری
۲۰۰	ابوسعبد همدانی
۲۰۳	فصل دوازدهم - چند نکته‌ای که مورد اختلافست
۲۷۹	فصل سیزدهم - هزاره ابن سینا
۲۸۵	فصل چهاردهم - خوی و اندیشه ابن سینا
۳۰۹	فصل پانزدهم - ذکر ابن سینا در شعر
۳۱۳	فصل شانزدهم - مآخذ درباره ابن سینا
۳۲۵	فصل هفدهم - تراجم ابن سینا در کتاب‌های چاپ نشده
۳۲۵	هفت اقلیم
۳۵۵	فصل هجدهم - خطبه ابن سینا
۳۵۵	و ترجمه آن از عمر خیام
۳۶۱	نسخه دوم

چند سطر مقدمه

درباره ابن سینا در کتاب‌های فارسی و عربی و زبان‌های اروپایی بسیار بحث کرده‌اند. در پایان این کتاب یک فهرست از مراجع فارسی و عربی و یک فهرست از آنچه به زبان‌های اروپایی درباره او چاپ شده است خواهد آمد. با این همه کتاب جامعی که همه اطلاعات درباره وی در آن گردآمده باشد و آخرین مطالب راجع به او را در آن جای داده باشند لازم بود و این کتاب را بدین اندیشه فراهم کرده‌ام.

در ترجمه حال او شاگرد معروفش ابو عبیدالله جوزجانی رساله‌ای نوشته که قسمتی از آن را ابن سینا خود گفته است و قسمتی دیگر را وی از مشاهدات خود افزوده است و این رساله که معتبرترین سند راجع به اوست در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء تألیف ابن ابی اصیبعه و اخبار العلماء به اخبار الحکماء تألیف ابن القفطی چاپ شده است. جای آن داشت که آن رساله را عیناً طبق النعل بالنعل ترجمه کنم و مدار شرح حال او قرار دهم اما چون در پایان این کتاب جایی که متون چاپ نشده فارسی راجع به ابن سینا را نقل کرده‌ام بیشتر متون ترجمه همین رساله است که قدما کرده‌اند چنان می‌نمود که حاجت تکرار نیست اما سرانجام عزم کردم که ترجمه آن را نیز در این اوراق بیاورم. پارسال تابستان که در کابل بودم ضرورتی پیش آمد که رساله‌ای درباره ابن سینا تألیف کنم. شرحی را که سابقاً در مجلد اول فرهنگنامه خود (چاپ تهران، ج اول، ۱۳۱۹، ص ۵۶۵-۵۷۳) چاپ کرده بودم در آغاز قرار دادم و در شرح حال وی به همان جا بسنده کردم، بعد فهرست دقیقی از مؤلفات وی ترتیب دادم و آنچه از اشعار فارسی منسوب به او در دست بود بر آن افزودم و چند بحث تازه درباره او به میان آوردم و دو مقاله دیگر را که سابقاً درباره وی در مجله مهر و مجله شرق چاپ کرده‌ام به این مباحث پیوستم و فهرست مراجع مهم فارسی و عربی و فهرست کتاب‌ها و مقالات زبان‌های خارجی را هم بدان ملحق کردم و کتابی شد که قسمتی از آن تدریجاً در روزنامه اصلاح کابل انتشار یافت منتها در آنجا دقتی که لازم بود در تصحیح مقالات نکردند و پر غلط چاپ شد و اینک همان قسمت‌ها هم با تصرفات و الحاقات در این اوراق چاپ می‌شود.

فصل اول

احوال ابن سینا

شرف‌الملک شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا معروف به ابن سینا یا ابوعلی بن سینا بزرگترین دانشمند ایران در دوره‌های اسلامی در سوم صفر ۳۷۰ هـ. ق در افشنه که از ده‌های بخارا بود ولادت یافت. در آن زمان بخارا پایتخت سلسله معروف سامانی پادشاهان ایرانی بود.

پدرش از مردم بلخ و اسماعیلی بود. اسماعیلیه از اوایل دوره سامانی به ماوراءالنهر رفته و به وسیله مبلغان خود در آنجا نفوذی به هم زده بودند و حتی در دربار نصر بن احمد پادشاه معروف سامانی برتری یافته بودند.

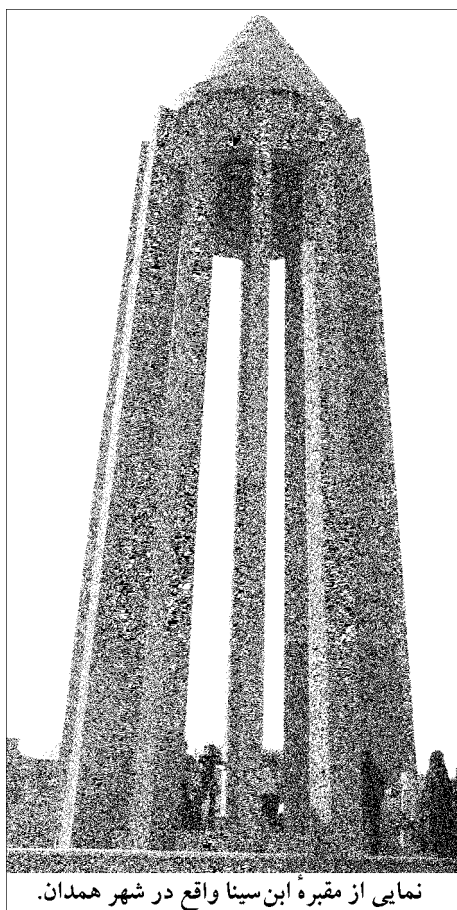
خاندان ابن سینا چندی پیش از ولادت وی از بلخ به بخارا رفته بودند. پدرش از جانب سامانیان به پیشکاری مالیه ناحیه خرمیثن از نواحی بخارا مأمور شده بود و آنجا زنی گرفت ستاره نام و از آن زن، ابن سینا و برادرش محمود متولد شدند و پس از ولادت این دو پسر باز به بخارا برگشت و آنجا ساکن شد و پسران وی در آنجا پرورش یافتند و ابن سینا تا پنج سالگی در خرمیثن بوده است.

درباره این برادر و اینکه وی از ابن سینا مهتر و یا کهنتر بوده است در کتاب‌ها ذکر نرفته است، اما چنان می‌نماید که وی مهتر از برادرش بوده باشد، ولی در میانشان چندان تفاوتی در سن نبوده، زیرا که درباره مبلغان اسماعیلی که در کودکی مقدمات علوم را از ایشان فرا گرفته است تصریح کرده است که پدر و برادر پیش از او بدیشان گرویده بودند و این می‌رساند که برادرش محمود چندان از او خردتر نبوده است. درباره تاریخ ولادت وی نیز جای سخن هست و از این پس جداگانه بحث خواهیم کرد.

ابن سینا از همان کودکی هوش سرشاری نشان می‌داده است. تا ده سالگی قرآن و ادب و اصول دین را آموخت. مبلغان اسماعیلی که پدرش آنها را در خانه خود پذیرفته بود مقدمات علوم را به وی آموختند، ولی گفتارشان درباره روح و عقل نخست اثری در ذهن او نگذاشت و در همین زمان علم حساب را از یک تن از بقالان بخارا و فنون دیگر ریاضی را از محمود مَسَّاح^۱ و فقه را از اسماعیل زاهد فرا گرفته است. پس از آن ابو عبدالله ناتلی که در منطق دست داشت وارد بخارا شد و ابن سینا منطق و هندسه و نجوم را پیش او درس خواند و کتاب‌های ایساغوجی و اقلیدس و متوسطات و المجسطی را بر او خواند و در این میان ابو عبدالله از بخارا به گرگانج خوارزم رفت و ابن سینا طبیعیات و ماوراءالطبیعه را پیش خود یاد گرفت و به زودی در این علوم از استاد خود پیش افتاد و نیز در طب مطالعاتی کرد و از ابومنصور حسن بن نوح قمری این علم را فرا گرفت و در این فن به اشکالی برنخورد. اما در حکمت مابعدالطبیعه دچار مشکلاتی بود چنانکه چهار بار کتاب مابعدالطبیعه ارسطو را خوانده و چنان در آن دقت کرده بود که عباراتش را از بر می‌دانست و با این همه این فن را درست درک نمی‌کرد تا اینکه اتفاقاً کتاب «اغراض کتاب مابعدالطبیعه» از ابونصر فارابی به دستش افتاد و به وسیله این کتاب به مقصود خود رسید و بیانات فارابی در منطق و حکمت که شامل تفسیرهایی به طریقه افلاطونیان جدید از آرای ارسطو بود افکارش را روشن کرد و در این زمان ۱۶ یا ۱۷ ساله بود.

در همین زمان ابن سینا نوح بن منصور سامانی را از بیماری که بدان گرفتار شده بود شفا داد و همین سبب شهرت او شد و از مقربان پادشاه سامانی گشت. ظاهراً در روابط او با پادشاه سامانی شک نمی‌توان کرد زیرا که در مابین مؤلفات وی رساله‌ای هست به عنوان «هدیه‌الرئیس ابن سینا اهداها للامیر نوح بن منصور السامانی وهی تبیحث عن القوی النفسانیه» و چنان می‌نماید که این رساله را در همین اوقات برای راهنمایی آن پادشاه نوشته است. نزدیکی وی به پادشاه سامانی سبب شد که اجازه ورود به کتابخانه معروف سامانیان در بخارا یافت و چون سرعت انتقال فوق‌العاده و حافظه سرشار داشت در اندک زمانی همه علوم آن زمان را فرا گرفت و در ۱۸ سالگی از فرا گرفتن همه آنها فارغ

۱. مساحت‌کننده و اندازه‌گیرنده اراضی.



نمایی از مقبره ابن سینا واقع در شهر همدان.

شد و در بیست و یک سالگی به تألیف کتاب آغاز کرد و در این زمان چون کتابخانه سامانیان سوخت او را بدنام کردند که آن را به عمد آتش زده است تا دیگر پس از وی کسی به علمی که در آن کتابها بوده است پی نبرد.

پس از مرگ پدرش در بیست و دو سالگی چون سلسله سامانیان در ۳۸۹ هـ. ق منقرض شده و ایلک خان نصرین علی پادشاه ترک وارد بخارا شده است این سینا از آنجا هجرت کرد. ایلک خان در دهم ذی القعدة ۳۸۹ هـ. ق وارد بخارا شده و پیدا است که پدر ابن سینا پیش از این تاریخ درگذشته و وی پس از آن تاریخ از بخارا هجرت کرده است.

از روزی که ابن سینا از بخارا هجرت کرده زندگی پر انقلابی داشته که قسمتی از آن صرف لذت‌یابی و قسمت دیگر صرف

درس و بحث و تألیف و کارهای علمی شده و قسمتی دیگر در سفر و کارهای وزارت و زندان و فرار گذشته است و اگر دوره آسایشی برای او پیش آمده چندان نکشیده است. پس از عزیمت از بخارا نخست به گرگانج رفت که در آن زمان پایتخت خوارزمشاهیان بود که مردمانش دانش‌دوست و ایران‌پرست بودند. در آنجا وی را در شمار حکیمان و دانشمندان و پزشکان دربار آوردند و ابوالحسین احمد بن محمد سهلی متوفی در ۴۱۸ هـ. ق وزیر علی بن مأمون خوارزمشاه ماهیانه‌ای درباره‌ی او مقرر کرد.

در سال ۴۰۸ هـ. ق محمود غزنوی خوارزم را گرفت و سلسله خوارزمشاهیان را برانداخت. به همان دلایل سابق‌الذکر گویند پیش از آن ابوالفضل حسن بن میکال یعنی حسنینک وزیر معروف راگماشت گروهی از دانشمندان را که در خوارزم گرد آمده بودند و